

عدالت باوری

<"xml encoding="UTF-8?">

اشاره:

این نوشتار آثار و ره آوردهای اعتقاد به عدالت را از ابعاد فردی و اجتماعی بررسی می کند و در هر کدام از این ابعاد نیز هم بعد معنوی و هم ظاهری مورد توجه قرار گرفته است. برخی از ره آوردهای مورد بحث در این مقوله عبارتند از: 1- امید 2- شناخت امام 3- تبری از حکومت های جور 4- ایجاد انقلاب ها و نهضت ها 5- ایجاد عدالت نسبی در جامعه 6- تابیدن الطاف الهی بر جامعه و... باور به عدالت گستره منجی مصلحی که عدل و قسط را در عرصه های اقتصادی [1]، قضایی [2] و... در سراسر کره خاکی می گستراند از همان آغاز اسلام در اعماق وجودی مسلمانان نفوذ نموده است و روایاتی که از پیامبر(ع) و امامان معصوم: در این زمینه رسیده است در حد تواتر هستند. در معنای عدل آمده است: «عدل آن است که هر چیزی را در جای خود قرار می دهد» [3] شهید مطهری در معنای آن می گوید:

عدالت عبارت است از این که آن: استحقاق و حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیتش به دست آورده است به او داده شود و نقطه مقابل آن ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند. [4] بدیهی است که باور به چنین عدالتی فطری است. شهید مطهری می گوید:

اعتقاد به عدالت فطری است؛ چنانچه کسی به مرحله کمال برسد و خوب تربیت شود، واقعاً عدالت خواه می شود و عدالت جمع را بر منفعت خویش ترجیح می دهد. [5]

گفتنی است اعتقاد به فرارسیدن زمانی که عدالت در سراسر هستی گسترش می یابد نیز یک امر فطری است که مهم ترین دلیل بر آن، عمومیت و همگانی بودن آن است.

مسیحیان [6]، یهودیان [7]، زرتشتیان [8]، هندوان [9] و مسلمانان [10] و دیگر ادیان بر این باورند که این کره خاکی زمانی پر از عدل و داد خواهد شد.

بی تردید چنین باوری دست آوردهای ارزشمند و ثمرات متعددی به ارمغان خواهد آورد که از جمله آن ها ره آوردهای فردی و جامعه شناختی است که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

ره آورد فردی

1- شناخت امام

امام صادق(ع) می فرماید:

ای یحیی کسی که شب را به گونه ای بگذراند که در آن، امام زمانش را نشناسد، بر مرگ جاهلیت مرده است. [11] با توجه به نقشی که امامت در حفظ نظام و کمال بشر و سیر او به سوی خدا و اجرای احکام خدا دارد و با توجه به این که اطاعت امر امام شرعاً و عقلاً واجب است، در وجوب معرفت امام نیز بر حسب حکم عقل و شرع، جای هیچ گونه تردید و شبهه ای نیست؛ زیرا هم مقدمه و اطاعت است که واجب است و بدون وجوب هم اطاعت و نصب امام بیهوده است و هم بر حسب آنچه در بعض روایات استفاده می شود، بالخصوص نیز واجب است. [12]

گفتنی است شناخت امام زمان با دو امر حاصل می شود:

1- شناخت امام به نام و نسب

2- شناخت صفات و ویژگی های او [13]

بنابراین حق شناخت امام آن است که تمامی ابعاد زندگی و صفات و ویژگی های آن شخصیت رهایی بخش از جمله سیره عملی اجرای عدالت آن حضرت مورد کنکاش قرار گیرد و این شناخت از اهم واجبات است [14]. با باور به عدالت گستره و سیره حکومتی و عمل امام زمان (عج) در عصر ظهور، شخصیت حقیقی این شجره طوبی، آن طور که شایسته است، شناخته می شود؛ چرا که دادورزی حضرت حجت(عج) بخشی از زندگی ایشان بوده و همان گونه که شناخت حسب و نسب، زمان ولادت و ویژگی های فردی آن حضرت ضروری به نظر می رسد، شناخت ابعاد اجتماعی و سیره

عملی آن بزرگوار در اداره حکومت و اجرای احکام و حدود الهی و برقراری عدل و داد ضروری تر است.

2- محبت و عشق به حضرت

«...قل لاسئلكم عليه اجراً إلا المودة فی القربی...» [15]

«بگو جز مودت به نزدیکان، از شما مردمان اجر و مزدی نمی خواهم».

عشق و محبت صمیمانه به اهل بیت: یک ضرورت است و «دوستی ایشان بخشی از ایمان و شرط قبولی ایمان است». [16]

اما این عاطفه ارزشمند قابل پرورش بوده و همین موجب ازدیاد صفای دل به اهل بیت می شود و می توان آن را شدت بخشید؛ به این صورت که باور داشته باشیم این محبت ها یک جانبه نیست. [17] جذبه محبت و عشق امام، جاذب دل های پریشان مؤمنان و جمع کننده قلوب پراکنده شیعیان است.

عشق از معشوق اول سرزند تا به عاشق جلوه ای دیگر کند. [18]

آری، باور به داوروزی عاشقانه آن حضرت [19] و دل سوختگی و محبت ایشان به خلق در برقراری حرکت عظیم عدالت گستری در جهان ما و نگرش حق طلبانه ایشان به این کره خاکی، به گونه ای تکوینی، محبت و عشق به حضرت را در دل های عاشقان شدت می بخشد و باور به غلبه رحمت حضرت بر غضبشان در حکومت عدل و ستاندن حق مظلومان از ظالمان و گردن کشان سبب می گردد مؤمنین نیز در قبال نگرانی ها و باور به دغدغه های آن امام در ستم های روا داده شده به بشریت و مظلومین و تلاش ایشان برای رهایی آنان از دست ستمگران پیوند معنوی و عشق خود را با حضرت افزون و محکم تر کرده و سرود دلدادگی برای آن حضرت را سر دهند که این عشق و محبت ها در قالب دعاها و زیارتنامه ها تبلور می یابد. [20]

به دیگر سخن، اول محبوب است که از محبت خویش یاد می کند و این یاد در قلب محب جلوه گر شده، او را به یاد محبوب می اندازد و این ماییم که باید به شراره عشق و جذبه محبت او لبیک گوئیم. [21]

3- امید به آینده

نور امید همواره درون جان بشر را روشن داشته و او را در برابر حوادث ناگوار پایدار

می سازد و از گردنه ها و فراز و نشیب های گوناگون گذرانده، گام به گام در مراحل تکامل و ترقی سیر می دهد. اگر امید نبود، بشر هیچ قدمی را بر نمی داشت و هیچ رنجی را تحمل

نمی کرد. [22]

امام مهدی(عج) به عنوان ضامن اجرای وعده های الهی و تحقق عدالت گستری در جهان، پناهگاه مؤمنین است «و این امید، بزرگ ترین هدیه ای است که جامعه بشری در این دوران دریافت کرده است. گوستاو لوبون می گوید:

بزرگ ترین خدمتگزاران عالم همان اشخاصی هستند که توانسته اند بشر را امیدوار نگه دارند». [23]

و باور به این منجی و عدالت خواهی های او و افق روشن هستی [24]، و مساوات فراگیر [25]، روح امید را در کالبد خسته بشریت می دمَد؛ زیرا در هر حال، مؤمنین می دانند که در زمانی معنا و مفهوم حقیقی زندگی تحقق پیدا کرده و شب سیاه ظلم در جهان رخت برپسته و نور عدالت جای گزین آن می شود.

4- شکسته شدن هیبت مستکبران در برابر مؤمنان [26]

در طول سده های متمادی، مستکبران و فرعونیان با ابزارهای مادی و در دست داشتن رسانه های تبلیغاتی مسموم، به جای حق نشسته و سعی در نمایاندن برتری و هیبت و قدرت خود و ذلیل و ویران کردن شخصیت مومنین داشته اند و تلاش نموده اند با ارزش ها و مفاخر مجازی و پوچ و توخالی خود، برتری اجتماعی و بزرگ منشی خود را بنمایانند.

اما با اعتقاد به تشکیل سلطنت و داوروزی مقتدرانه حضرت مهدی(عج) و شکسته شدن بت های مستکبران و گرفته شدن ریاست ها و مال ها و ابزارهای باطل و ناحق از مستکبران، پوچی و تهی بودن قدرت آنان نمایان می شود و هیبت آنان شکسته می شود؛ زیرا این اقتدارها و عظمت های ظاهری تداومی نداشته و همیشگی نیستند.

5- آمادگی

انقلاب و جنبش با این گستردگی برای طرح ها و برنامه های جهانی و تشکیل ساختارهای ایجاد عدالت اقتصادی، فرهنگی، قضایی و... در جامعه عدل مهدوی نیازمند نیروهای کارآمد و مهدی یاورانی است که بتوانند در مسندهای مختلف حکومت با عناوین متفاوت خدمت کنند.

امام باقر(ع) می فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند و مهدی ما ظهور کند، یک مرد از شیعیان ما پرجرات تر از شیر و کاری تر و نافذتر از نیزه خواهد بود [27]

کسانی که آرمان عدالت گستری در سراسر گیتی را در سر دارند بایستی با بینشی ژرف، نسبت به آن حرکت بزرگ، خود را در عرصه های مختلف علمی،

نظامی و سطوح عالی معنوی آماده سازند تا بتوانند مقدمات آن حکومت عظیم را تشکیل دهند و از همین عصر غیبت، خود را به عنوان پشتوانه ای در جامعه فاضله عصر مهدوی به آن حضرت بشناسانند. بنابراین آماده شدن در همه عصرها برای محقق شدن آرمان آن حضرت و تشکیل آن حکومت عدل محور ضروری می نماید.

6 - پایداری در برابر مصائب دشمنان

صبر گویای شرایط گذشتن زمان لازم در پرورش حیات آدمی و تحقق خودسازی و رشد عقلانی در رسیدن به حق و عامل اصلی تعالی انسان و کمال آدمیت است و در عرفان اسلامی، یکی از ویژگی های سیر و سلوک و اصیل ترین حالت، بردباری و شکیبایی است و طی همه منازل و مراحل نیازمند صبر است. [28]

عدالت باوری می آموزد که فرجام جهان، جلوه ای از عدالت حق تعالی است و سرانجام، وضعیت نامطلوب مؤمنین پایان می پذیرد و حقشان ستانده می شود. از این روی، اگرچه در دوران غیبت آزارها و اذیت ها می بینند و دچار مصائب می شوند، با امید به برچیده شدن ریشه اهریمنان و سقوط صاحبان زر و زور و تزویر، با بینشی عمیق، صبور و بردبار بوده و اقسام مصائب و مشقت ها را تحمل می نمایند.

امام حسین(ع) فرمودند:

برای او غیبتی است که گروهی در آن دوران از دین برگشته، برخی دیگر بر دین پایدار خواهند ماند و مورد اذیت و آزار قرار خواهند گرفت. [29]

7- عدالت باوری و تقوای الهی

از جمله مهم ترین شاخصه ها و مقدمات تقوای الهی، باور و ایمان به امور غیبی الهی است که باور به حکومت عدلی که توسط مهدی آخرالزمان تشکیل می شود از مصادیق بارز آن است: «ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب... [30]»؛ «آن کتاب که تردیدی در آن نیست، هدایتی برای متقین است، کسانی که ایمان به غیب دارند...».

باور به داورزی و عدالت گستری حضرت مهدی(عج) - که منشأ و حیانی داشته و از مسلمات دین اسلام است - یکی از مصادیق باورهای غیبی به شمار آمده و مستلزم تقوای الهی است و بدون این سرمایه معنوی، پارسایی و پرهیزکاری معنا ندارد و البته آزمونی است که تنها مؤمنین راستین و موحدان خداجو از عهده آن برآمده و مزین به لباس پرهیزکاری می شوند که برترین لباس هاست.

8 - تهذیب نفس

اگرچه بریدن از خودخواهی و هوای نفس و پاکیزه شدن از خباثت و رذایل نفسانی همیشه و در همه حال برای یک مؤمن وارسته سزاوار است، کسی که باور دارد روزگاری در همین دنیا جلوه ای از عدالت کبریای حضرت حق طلوع می کند و نزد حضرت مهدی(عج) مؤمن واقعی از غیر واقعی نمایان است [31] و هر چیزی در جای خود قرار می گیرد و انسان های پست و وارسته، هر کدام از هم متمایز و در جایگاه خود قرار می گیرند، ضرورت آن را بیشتر درک کرده و با وارستگی و رهیدن از لغزش ها نفس خود را پاک می گرداند تا سرافراز و سربلند، نزد حضرتش حاضر گردد. امام صادق(ع) فرمودند:

هرگاه قائم به پا خیزد، هیچ یک از بندگان خداوند به پیشگاهش برنخیزد، مگر این که او را می شناسد که آیا صالح است یا ناصالح و ناشایسته. [32]

9 - آرامش و امنیت روحی

تردیدی نیست که نهایت سعی و تلاش انسان ها در رسیدن به آرامش و امنیت روحی است و هر روزنه ای را که جهت تابیدن این آرامش ببینند به سوی آن خیره می شوند.

امید به عصر طلایی و تشکیل حکومت عادلان و ستانده شدن داد مظلومان از ظالمان و برچیده شدن پایه های استبداد، نور آرامش را در دل مؤمنین روشن می سازد و نگرش آنان را به آینده هستی، نگرشی آرامش بخش می کند و با تصور امنیتی فراگیر برای آینده عالمیان، درخشش و تابش آن را در روح و جان خود نیز مشاهده می کنند.

10- دعا برای تعجیل فرج

شکی نیست که دعا، تأثیر بسزایی در سرنوشت انسان ها و تغییر قضای الهی داشته و از اقسام شکر [33] بوده و موجب فزونی نعمت [34] می گردد.

بنابراین در تسریع ظهور و فرج و تشکیل حکومت عدل نیز نقش بسزایی دارد.

امام زمان(عج) فرمود:

«بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که آن فرج شما است». [35]

مؤمنین که از ظلم و ستم های روا شده بر انسان ها آگاه بوده و بر این باورند که با برقراری عدالت مهدوی در کره خاکی، بساط این همه ظلم و ستم ها برچیده شده و رفاه اجتماعی و اقتصادی حاکم خواهد شد همواره دست به دعا برداشته و از خداوند می خواهند که در فرج حضرتش تعجیل فرماید تا انسان های دردکشیده هرچه زودتر به حقوق از دست رفته شان نایل آیند و عدل سراسر گیتی را فراگیرد. زیرا می دانند دعایشان در این امر مستجاب می شود. [36]

11- اعتقاد به حکومت عدل، وسیله تبری از حکومت های جور

کسی که به شاخصه های کلی دادورزی در حکومت حضرت مهدی(عج) علم و باور داشته و می داند که این حکومت اصلاح طلب و ظلم ستیز، تجلی و وعده عدالت حقیقی الهی است، آن عدالت مقتدرانه و غایت کمال انسان ها را مقیاس و میزان قرار داده و حکومت های عصر خود را با آن می سنجد و اگر دولتی در دادورزی خود، به این مقیاس نزدیک تر شود، به آن تمایل پیدا کرده و از آن حمایت می کند و چنانچه سلطنتی بر خلاف مقیاس حق مداری، ظلم محور بوده و ستمگری در آن ترجیح داده شده و شاخصه های عدالت مهدوی را نداشته باشد، مورد انزجار مؤمنین می باشد. زیرا کسی که به آن عصر طلایی و آن عدالت همگانی باور داشته و آن مدینه فاضله را تصور کرده است نمی تواند آن حکومت ها و سلطنت های جور را تحمل کند و به راستی از آن وضع نامطلوب گریزان بوده و از آن تبری می جوید.

12- اصلاح فردی و انجام تکالیف

امام صادق(عج) می فرماید:

به خدا سوگند، به طور حتم، عدالت مهدی(عج) به درون خانه ها و اتاق هایشان نفوذ می کند، هم چنان که سرما و گرما در آن وارد می شود [37] در آن عصر، حدود جاری نشده جاری می شود، قدرت ها و ریاست های بناحق گرفته شده گرفته می شوند، حق مظلومان ستانده می شود، اموال و دارایی های به غارت رفته شده مصادره می شود و به صاحبانشان بازگردانده می شود. در نزد حضرت، مؤمن واقعی و حقیقی از مؤمن ظاهری و ریاکارانه متمایز می شود و... با باور به این اوصاف، بدیهی است که مؤمنان خود را از خصیصه های ناپسند بر حذر داشته و نواهی الهی را ترک نموده و خود را به اعمال حسنه و انجام فرایض آراسته و در به دست آوردن مال و قدرت و ریاست های باطل حرص و ولع ندارند تا این که مغضوب عدالت مهدوی قرار نگیرند. زیرا می دانند ثمره انجام محرمات و ترک فرایض، پایمال نمودن حقوق الهی و مردم و نفس خود است که در محکمه عدل مهدوی نیازمند پاسخ گویی است. از این رو معتقد و مؤمن به این امر، خود را اصلاح و تکالیف را انجام می دهد تا به گونه ای تکامل یابد و درخشش عدالت حضرت را بهتر درک کرده و مورد غضب عدالت حضرت قرار نگیرد.

13- اعتقاد به عدالت مهدوی، توجه داشتن به کرامت و شرافت انسانی

یکی از مهم ترین حقوق انسان ها کرامت و شرافت آنان است [38] که در طول قرون متمادی توسط گردن کشان و فرعونیان از آنان به یغما رفته است و با گسترش عدالت حضرت مهدی(عج) به آن ها بازگردانده شده و ربایندگان این کرامت ها در پیشگاه محکمه عدالت، سخت مجازات می شوند. بنابراین با این باور، توهین ها، تهمت ها، محروم کردن ها، تحقیر کردن ها و... از انسان رخت بر می بندد و توجه بیشتری به ارزش و اعتبار انسانها می شود؛ زیرا دانسته می شود قدرتی پرتوان تر در سایه عنایت الهی به فریادری این انسان های دردکشیده خواهد شتافت و انتقام آنان را خواهد گرفت و بنابراین بر مبنای اجرای دستورات اسلام، حرکت اصلاحی در کرامت دادن حقیقی به انسان ها صورت می گیرد.

14- بیم و امید

عصر دادورزی حضرت مهدی(عج)، تهدید، تنگنا و ایام عسرت است برای طمع ورزان و دنیاطلبان [39] و آسایش و آرامش و سامان یابی زندگی است برای مؤمنان و مستضعفان. [40] انسانها با این باور در مرز بین خوف و رجا و بیم و امید زندگی می کنند و از یک سو عدالت ورزی حضرت را مهربانانه و نویدبخش و از دیگر سو، قاطعانه و سازش ناپذیر می دانند و تلاش می نمایند اعمال خود را با این دوگونه برخورد وفق دهد.

15- احساس شخصیت

مؤمنان نیک می دانند که مهدی آل محمد(عج) می آید و آنان را عزیز می گرداند و دشمنانشان را خوار و ذلیل می کند [41] و با خلافت و عدالت راستین خود، حاکمیت مؤمنان و مستضعفان را تضمین می نماید. [42] بنابراین بدیهی است که مؤمنان و فرودستان در برابر زورمندان احساس ذلت نمی کنند چرا که خود را میراث دار اصلی زمین دانسته و صاحبی برای خویش متصور هستند که با فرمانروایی عادلانه و سلطنت قدرتمند خود مایه مباهات آنان است.

16- امر به معروف و نهی از منکر

امام باقر(عج) می فرماید: همانا امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و صالحان است و فریضه بزرگی است که قوام دیگر فرایض به آن است و راه

ها به وسیله آن امنیت می یابد و درآمدها حلال می شود و مظالم به صاحبانشان رد می شود و زمین آباد می شود و از دشمنان انتقام گرفته می شود و امور سامان می یابد. [43]

در جای خود ثابت شده است که این فریضه ی بزرگ الهی، بستر و زمینه مناسب برای ظهور امام عصر و در نتیجه، تشکیل حکومت عدل محور را فراهم می آورد.

بنابراین کسی که به این دادورزی عظیم و عصر شکوفایی استعدادهای صلح و آشتی و برابری و مساوات باور دارد، تحت رهبری عقل و ایمان به انجام این تکلیف بزرگ الهی می پردازد تا هرچه سریع تر بستر مناسب برای به کمال رسیدن انسان ها در این دنیا و بازگردانده شدن حقوقشان فراهم شود و حضرتش ظهور کند و برابری و مساوات را حاکم گرداند.

ره آورد جامعه شناختی

1- تشکیل نهضت های عدالتخواه

عالم هستی نظام اسباب و مسببات است.

امام صادق(ع) می فرماید:

«ابی الله ان یجری الاشیاء الا بالاسباب».[44]

«خداوند اراده کرده است که تمام اشیاء تنها با اسبابش محقق شود».

در جامعه آرمانی عدالت محور اسلام نیز، اگرچه امدادهای الهی و تأییدات غیبی بسیار مؤثر بوده و پشتوانه آن هستند، در تعالیم اسلام آمده است که اجرای دقیق این برنامه بدون مسئولیت پذیری و تعهد و تکلیف یارانی کارآمد و جامعه ای خروشان در جهت تحقق نهضت های عظیم آزادی بخش و عدالت خواه میسر نیست.

بنابراین جامعه ای که باور دارد و می داند در آن عصر طلایی از دست ستم پیشگان و مستکبران رهایی یافته و تعالیم انبیا و اصول اساسی رسالت در آن حاکم می گردد، باید برای تحقق و زمینه سازی آن کوشا باشد. جامعه و مدینه فاضله عصر دولت حق حضرت مهدی(عج) و عدل محوری او را هدف قرار داده و تلاش می کند برای تسریع در رسیدن به هدف، اسباب و زمینه های آن تحول عظیم را با انقلابها و نهضت ها فراهم آورد و طبیعی است که نمی تواند حکومت های جور و ظلم را تحمل نماید و از این رو به صورت نهضت های آزادی بخش، زمینه و بستر را برای عدالت کلی فراهم می آورد.

2- احیای عدالت نسبی در جامعه

هر جامعه و نظامی برای رشد و تکامل در جهات مختلف، به دنبال الگویی مناسب است تا خود را با آن وفق دهد و به رشد و تعالی نسبی برسد. حال چنانچه جامعه ای محقق شدن اصول دادگری و رستگاری و سعادت و صعود و رفاه اقتصادی، اجتماعی، قضایی و... را در سلطنت مقتدرانه و عادلانه حضرت مهدی(عج) ببیند و به آن باور داشته باشد، آن را الگوی خود قرار داده و تلاش می نماید تا حد امکان آن آرمان ها - از جمله عدالت دادورزی - را در خود به فعلیت برساند و اگر نمی تواند همانند آن حکومت اصیل عدالت را جاری کند، لاقلاً یک عدالت نسبی را تحقق بخشد.

3- یکدلی و یکپارچگی

رمز اصلی پیروزی هر ملتی و سرازیر شدن نعمت های آسمانی یکدلی و یکپارچگی [45] انسانها بر مبنای اسلام و دین داری است.

حضرت علی(ع) می فرماید:

شما یاوران حقیق و برادران در دین؛ سپرهای روز گرفتاری و پیکار و رازداران در برابر افشاکندگانی اسرار. [46]

و اما دوستی طالبان دنیا و بی دینان زوال پذیر و بی نتیجه است و هیچ بنائی ندارد. [47]

روشن است که باور به دادورزی در آخرالزمان از مصادیق دین داری به شمار می آید و

می تواند مینا و ملاکی برای اتحاد باشد و اگر جامعه ای، همگی به این امر بزرگ الهی باور داشته باشند، با توجه به هدف و دغدغه مشترک، نوعی یکدلی و یکپارچگی در تحقق آرمان و کمالی واحد برای آن ها شکل می گیرد و وقتی هدف واحد شود، راهها، اسباب و... برای رسیدن به آن هدف نیز یکی می شود.

4- تابیدن انوار الهی و برکات آسمانی از آینه باور به عدالت مهدوی در جامعه

«ولو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض...».[48].

و اگر اهل تقوی ایمان بیاورند و پرهیزکار باشند، برکات آسمان و زمین را بر آن ها می گشاییم... .

تردیدی نیست که پرهیزکاری تنها به انجام دادن فرایض و ترک نواهی نیست؛ بلکه شخص پرهیزکار بایستی به اصول مسلمة مذهب و دین نیز معتقد بوده و با فکر و اندیشه و استدلال به اصول اعتقادی - که از جانب خداوند به واسطه پیامبران رسیده است - نیز باور داشته باشد.

عدالت باوری حضرت مهدی(عج) نیز از جمله اصول مسلمة بوده از مصادیق تقوا و پارسایی به شمار می آید و اگر جامعه ای آن را بپذیرد و در مرحله عمل نیز به کار برد، در واقع تقوای الهی را پیشه کرده است و سنت خداوند بر آن است که برکات آسمانی خود را بر آن جامعه بباراند و آن جامعه با تابیدن انوار الهی، به مدینه فاضله مبدل گشته و باب رحمت و نعمت های خداوند بر روی آن ها گشوده می شود.

5- تقریب بین ادیان الهی و مذاهب اسلامی

گفته شد مسأله عدالت باوری، مشترک بین ادیان است و هر امر مشترکی بین گروه های مختلف باعث کم کردن فاصله ها شده و آن ها را به هم نزدیک می گرداند؛ بنابراین چنان چه جامعه ای که در آن ادیان مختلفی زندگی می کنند همگی به این مسأله باور داشته باشند، در این امر وحدت رویه داشته و با هم نزدیک بوده و نوعی اتحاد بین آن ها در مقابله با طاغیان و ظالمان و فرعونیان ایجاد می شود.

6- بیداری اندیشه ها و به دست آوردن راه نجات از ظلم و استبداد

اندیشمندان و شیفتگان اسلام ناب، با استناد به کتاب و سنت، انتهای روشن و فرجامی همراه با تابش پرتو عدالت الهی در جهان تصور می کنند و این تصور را در میان سایر اقشار جامعه می نمایند تا دیگر اندیشه ها نیز بیدار گشته و همراه با هم و با هم فکری، ترکیبی یکپارچه تشکیل داده و جهت پیکار همگانی برای ریشه کنی فسادها، تبعیض ها، ناعدالتی ها و... در جامعه، راه های روشنی بیابند و آن را در ظرف عمل قرار دهند. بنابراین چنین باوری سبب می گردد نه تنها اندیشمندان اسلامی بلکه دیگر مردمان نیز در انتظار چنین واقعه ای عظیم، همواره بیدار و آگاه و مترصد بوده، به دنبال پیدا نمودن و تهیه و تدارک راههای مناسب در سرعت بخشیدن به آن باشند.

پی نوشت ها :

- [1]. مجلسی، بحارالانوار، بیروت، نشر الوفاء، ج 52، ص 290.
- [2]. کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج 1، ص 397.
- [3]. سفینه البحار، ج 2، ص 166.
- [4]. شهید مطهری، سیری در ائمه اطهار، قم، انتشارات صدرا، ص 259.
- [5]. همان ص 365.
- [6]. اعمال رسولان، ج 5، ص 31.
- [7]. ویلیام گلن و هنری رکن، عهد عتیق و جدید، ترجمه فاضل خادم همدانی، تهران، انتشارات اساطیر، ص 1220.
- [8]. داود الهامی، او خواهد آمد، قم، نشر مرتضی، ص 68.
- [9]. مجله هفت آسمان، شماره 12 و 13، مقاله گونه شناسی موعود در ادیان مختلف ص 116.
- [10]. سید ثامرالعמידی، در انتظار ققنوس، ترجمه مهدی علی زاده، قم، موسسه امام خمینی، ص 46. (به نقل از تاریخ ابن خلدون)
- [11]. بحارالانوار، ج 23، ص 89.
- [12]. صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، قم، انتشارات حضرت معصومه، ج 1، بخش سوم، ص 62.
- [13]. موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، قم، انتشارات ایران نگین، ج 2، ص 185.
- [14]. همان.
- [15]. سوره الشوری، آیه 23.
- [16]. مکیال المکارم، ج 2، ص 217.
- [17]. همان. ج 1، صص 94 و 53.
- [18]. امام صادق(ع): «والله لانا ارحم بکم منکم بانفسکم» (مسعود پورسیدآقای، میرمهر، قم، انتشارات حضور، 1382، ص 167).
- [19]. پیامبر اکرم: «به (المهدی) یخرج الذل من اعناقکم...» (بحار، ج 51، ص 57).
- [20]. دعای ندبه؛ زیارت ناحیه مقدسه؛ دعای صباح و...
- [21]. میرمهر، ص 168.
- [22]. امامت و مهدویت، ج 2، بخش سوم، ص 7.
- [23]. در انتظار ققنوس، ص 273.
- [24]. یو نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثینی. [قصص، 5].

- [25]. امام صادق(ع): «كان رسول الله يقسم لحظاته بين اصحابه، فليُنظر الى ذا و ينظر الى ذا بالسّوية». (الكافي، ج 2، ص 671).
- [26]. مكيال المكارم، ج 1، ص 169.
- [27]. سليمان بن ابراهيم، ينجيع المودة، ترجمه سيد مرتضى توسليان، انتشارات بوذرجمهري، ج 2، ص 499.
- [28]. غدیر کارآمد کرمانی، ایمان، تهران، انتشارات گوهر منظوم، 1381، صص 133-4.
- [29]. بحارالانوار، ج 51، ص 133.
- [30]. بقره، 2 و 3.
- [31]. مكيال المكارم (به نقل از کمال الدين، ج 2، ص 671).
- [32]. همان.
- [33]. همان، ج 1، ص 425.
- [34]. همان، ص 424.
- [35]. همان، ص 419 (به نقل از احتجاج ج 2 ص 284).
- [36]. همان ص 474.
- [37]. بحارالانوار، ج 52، ص 328.
- [38]. امام صادق(ع): «والله حق مومن از كعبه بزرگتر است». (بحار الانوار، ج 74، ص 222).
- [39]. بحارالانوار، ج 51، ص 120.
- [40]. محمد حکيمي، عصر زندگي، قم، بوستان کتاب، ص 268، (به نقل از تحف العقول، ص 324).
- [41]. امام علي(ع): «بيعت الله مهديهم بعد جهدهم فيعزهم و يذلّ عدوهم». (بحارالانوار، ج 51، ص 54).
- [42]. مكيال المكارم، ج 1، ص 158.
- [43]. الكافي، ج 5، ص 56.
- [44]. همان، ج 1، ص 183.
- [45]. «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا». [آل عمران، 103]
- [46]. نهج البلاغه، خطبه 117.
- [47]. حضرت علي(ع) می فرماید: «دوستی اهل دنیا به کم ترین مسأله ای از بین می رود». (ولی الله برزگر، جامعه از دیدگاه نهج البلاغه، سازمان تبلیغات ص 155، به نقل از غررالحکم فصل اول، ص 76).
- [48]. اعراف، 96.